

## ماهیت اظهارات اشخاص ثالث در دادرسی و موانع پذیرش آن

حسن محسنی\*

دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

احمد نجفی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران (پردیس البرز)

### چکیده

«اظهارات اشخاص ثالث» در دادرسی که اشکال گوناگون آن قابل فرض است، بعضاً بنا به خاستگاه‌های تاریخی خود در قوانین موضوعه، به‌نحو موردی تعریف و «معین» شده‌اند و در مقابل، تعداد بیشتری چارچوب ندارند و تعریف نشده و «نامعین»‌اند. «ارزش اثباتی» این اظهارات به معنی رابطه آنها با مدلول، از دو جنبه «منطقی» و «اعتباری» قابل مطالعه و تقسیم‌بندی است. از حیث منطقی، مبانی کاشفیت این اظهارات چه در معین و چه نامعین با یکدیگر تفاوتی نداشته و همگی ماهیتاً «امارات قضایی» و البته با درجه‌های متفاوت واقع‌نمایی‌اند؛ واقع‌نمایی‌ای که تحت شمول اصل اولیه قابلیت پذیرش قرار می‌گیرند و در صورتی که مفید علم و اطمینان متعارف برای دادرس باشند، در دعوا موثر خواهند بود؛ و از حیث اعتباری، بنا به موانع قانونی ناشی از مصالح قانونگذار ارزش اثباتی خود را با وجود قابلیت منطقی از دست می‌دهند. از این‌رو «قابلیت تقسیم‌بندی ارزش اثباتی اظهارات اشخاص ثالث معین و نامعین به منطقی و اعتباری و اصل قابلیت منطقی پذیرش اولیه این اظهارات به‌عنوان امارات قضایی و در نتیجه نقش انحصاری دادرس در ارزیابی منطقی این اظهارات و انحصار نقش مقنن در ایجاد موانع اعتباری» به‌عنوان نظریه‌ای کلی در این مقاله مطرح شده است.

واژگان کلیدی: اظهارات اشخاص ثالث معین و نامعین، ارزش اثباتی منطقی و اعتباری، اماره و علم قضایی.

Email: hmohseny@ut.ac.ir

\* نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۲۰ آذر ۱۴۰۰، تاریخ تصویب: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰

DOI: 10.22059/JLQ.2022.334839.1007616

© University of Tehran

## ۱. مقدمه

اظهارات اشخاص ثالثی که به صورت کلی ذی نفع مستقیم دعوا محسوب نمی شوند و امکان ورود در دعوا یا اعتراض به احکام صادره قبلی را ندارند، شامل انواع مختلفی می شود که ویژگی های مشترکی دارند و در طبقه واحدی از دلایل اثبات قرار می گیرند. چگونگی شناسایی این اشخاص و اینکه آیا محصور به مواردی اند که در قوانین موضوعه مندرج اند یا خیر؟ بحث از ارتباط منطقی یا اعتباری اظهارات ایشان با مدلول خود به عنوان ارزش اثباتی، و صحبت از مبانی موانع منطقی و اعتباری ارزش اثباتی این نوع از ادله اثبات، از اهداف نگاشت این مقاله است. به صورت سنتی و از سرچشمه مبانی مربوط به نظام قانون دلایل اثبات، انواع اشخاص ثالث همواره از سوی مقنن و صرفاً با شرایطی مشخص به عنوان دلیل اثباتی قابل قبول پذیرفته می شده است. همچنین ارزش اثباتی این اظهارات حسب رویه موجود در مطالعه دلایل اثباتی محدود به رابطه منطقی میان دلیل و مدلول می شود؛ حال آنکه این مقاله در مقام به چالش کشیدن رویه های سنتی یادشده و در مقابل، ارائه افق جدیدی در دسته بندی مطالعه ارزش اثباتی این قسم از دلایل اثبات است. تحقیق حاضر با این مفروض که اولاً موارد منصوص اظهارات اشخاص ثالث در حقوق موضوعه که از آنها در این مقاله با عنوان اشخاص ثالث معین یاد می شود، مانع از وجود اصل قابلیت اولیه پذیرش منطقی انواع نامعین نیست؛ ثانیاً این اظهارات همگی تحت عنوان امارات قضایی قابل تحلیل و ارزیابی اند؛ ثالثاً ارزش اثباتی دلایل اثبات و از جمله اظهارات اشخاص ثالث از دو حیث رابطه منطقی و اعتباری با مدلول قابل مطالعه است و در سه بخش اصلی کلی ارائه شده است: اول، ماهیت اظهارات اشخاص ثالث که ناظر بر کاشفیت منطقی آنها نسبت به مدلول است و شامل اصل اولیه قابلیت پذیرش و معیارهای قانونی و متعارف ارزیابی می شود؛ دوم، موانع منطقی پذیرش این اظهارات که موجب زوال ارزش اثباتی می شوند؛ سوم، موانع اعتباری پذیرش این اظهارات و مبانی این موانع.

## ۲. اظهارات اشخاص ثالث به عنوان مقسمی کلی از دلایل اثبات

انواع اظهارات اشخاص ثالث به منزله بخش عمده ای از ادله اثبات همچون سایر پدیده های حقوقی دیگر در طول تاریخ زندگی بشر اولاً به نحو موردی و براساس نیاز وی، بسته به نوع نگاه و اقتناع شونده او از این اظهارات و ثانیاً بدون هرگونه برنامه ریزی قبلی یا دقت در رابطه میان این اظهارات با یکدیگر و یا سایر ادله اثبات و در واقع به نحوی ارتکازی و ناخودآگاه در اصطلاح محقق شده اند. حال آنکه می توان اظهارات اشخاص ثالث را با توجه به در نظر گرفتن سه گانه طرفین دعوا، دادرس و ثالث از حیث منشأ دریافت داده ها و دلایل اثباتی ابرازی تحت

عنوان مقسمی کلی که حاوی عناوین متعددی از ادله اثبات دعواست، در نظر گرفت (امامی، ۱۳۴۰، ج ۶: ۲۲). آنچنان‌که در همین باره در کد آیین دادرسی فرانسه مصوب ۱۹۷۵ نیز فصلی تحت عنوان «اظهارات (اعلامات) اشخاص ثالث»<sup>۱</sup> ذیل باب هفتم - اداره قضایی دلیل<sup>۲</sup> - آمده است. این دسته‌بندی کلی در واقع حاکی از آن است که اولاً منحصر کردن ادله اظهارات اشخاص ثالث به موارد معین‌شده در قانون بلاوجه است، زیرا این موارد نسبت به سایر موارد معین‌نشده ویژگی خاصی ندارد و نیز کارکرد همگی در عرف واقع‌نمایی از مدلول است؛ ثانیاً ارائه توجیهات منطقی و منظم در راستای تحلیل و توجیه همه موارد قابل فرض و هرچند غیرمنصوص ضروری است. برای مثال وجه تسمیه «بینه» که از حیث تاریخی به نوع خاصی از اقسام این اظهارات به‌همراه شرایط خاصی حمل شده است، در واقع می‌تواند به هر نوعی از اظهارات اشخاص ثالث که به‌نحو متعارف قابل قبول باشد، حمل شود. بنابراین در نظر نگرفتن ارزش اثباتی سایر اقسام این نوع از دلیل (غیر از بینه) موجه نیست (معرفت، ۱۳۷۰: ۶۱).

### ۳. قابلیت پذیرش اولیه تمامی انواع اظهارات اشخاص ثالث از نظر منطقی

به تبعیت از نظام آزاد دلایل اثبات هیچ‌گونه اظهاری از انواع اشخاص ثالث در خصوص دعوی مطروحه چه در امور کیفری و چه در امور حقوقی را نمی‌توان از حیث منطقی کنار گذاشت، زیرا امکان اطلاع شخص ثالث از موضوع یا حکم دعوا امری بدیهی و کاملاً قابل فرض است. به دیگر سخن، اگر ارزش اعتباری را امری طیف‌گونه بدانیم، صرفاً می‌توان برای اعتبار آن شدت و ضعف قائل شد، و لکن کنارگذاری کلی خلاف منطقی و عقل است. این امر در واقع از تجلیات نظام آزاد دلایل اثبات و اصل آزادی دلایل اثبات است که نوعاً در کشورهای مختلف پذیرفته شده است (Oudin, 2015: 9).

### ۴. معیارهای منطقی ارزش اثباتی اظهارات اشخاص ثالث از سوی مقنن

به‌صورت کلی احراز صدق و کذب اظهارات ثالث و تأثیر آنها در پرونده قضایی به قاضی رسیدگی‌کننده سپرده می‌شود، زیرا وفق نظام ادله اثبات معنوی برخلاف نظام ادله اثبات قانونی، قاضی به‌علت نزدیکی و آمیختگی روحی و معنوی بیشتر به متن پرونده و ذیل آن امکان بهتر و بیشتری نسبت به ادراک بهتر حقیقت قضایی در مقابل مقنن داراست. با وجود این، ایرادی

1. Chapitre iv les déclarations des tiers  
2. Titre VII l'administration judiciaire de preuve

نیست تا مقنن معیارهایی را که مبتنی بر مطالعات مربوط به علوم شناختی<sup>۱</sup> و پیشرفت دانش بشری در فهم پدیده‌ها بوده و از قدرت اقناع‌کنندگی خوبی نیز برخوردار است، به‌منزلهٔ زمینه‌هایی ارائه کند. برخی از این معیارهای قانونی عبارت‌اند از: الف) **وزن‌گذاری براساس منشأ علم شاهد شرعی:** در بالاترین درجهٔ اثباتی، ثالث به‌نحو مستقیم و از طریق علم شخصی اطلاعاتی را در خصوص موضوع یافته و در موارد پایین‌تر اطلاعات وی به‌نحو غیرمستقیم به‌دست آمده است. در همین زمینه ارزشمندترین اظهارات را فردی تحت عنوان «شاهد» ایراد می‌کند؛ همان شخصی که وجود علم به موضوع در «حال شهادت»<sup>۲</sup> برای وی موضوعیت دارد (انصاری، ۱۴۱۵ق: ۲۶۳). وفق مادهٔ قانون ۱۸۳ مجازات اسلامی شهادت باید از روی قطع و یقین به‌نحوی که مستند به امور حسی و از طریق متعارف باشد، ادا شود. در همین زمینه بنا به حقوق دادرسی ایالات متحده شهادت شاهد باید بر مبنای علم شخصی صورت گیرد و این امر از اصول بنیادین علم حقوق است. طبق این اصل بنیادین شاهد باید صرفاً در خصوص: الف) «موضوع و واقعیت» و ب) براساس «علم و آگاهی شخصی» شهادت دهد (Herzog, 1994: 281). در مراحل بعدی شهادت بر شهادت وجود دارد که به آن شهادت فرعی نیز می‌گویند.<sup>۳</sup> در حقوق کامن‌لا قاعدهٔ اولیه، ممنوعیت قابلیت استناد به چنین اظهاراتی است و از آن تحت عنوان «دلیل شنیده‌شده»<sup>۴</sup> یاد می‌شود.<sup>۵</sup> در چنین مواردی برای ثالث عناوینی چون «مطلع» یا «مزید اطلاع» نیز آورده‌اند که گاهی نه‌تنها از موضوع «اخبار» نمی‌کند که در واقع در حال «اظهارنظر» از واقعه است؛ ب) **وزن‌گذاری اظهارات براساس نصاب:** بدیهی است وفق مبانی «استقرا» اظهارات تعداد بیشتری از افراد در خصوص یک موضوع اقناع‌کنندگی بیشتری به‌وجود می‌آورد. این امر البته به‌تدریج و با توجه به ارزش بالقوهٔ اظهارات هر ثالثی ولو یک نفر مورد انتقاد قرار گرفته و کم‌کم حذف شده است. در همین زمینه ناپلئون می‌گوید نمی‌تواند بفهمد که چرا گواهی تک‌گواه صادق، دلیل اثباتی نیست، اما شهادت دو آدم حقه‌باز دادگاه را ملزم می‌کند (کاپلنی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۳-۱۱۲)؛ ج) **معیارهای اهلیت:** یکی از روش‌های سنتی ارزش‌گذاری منطقی اظهارات اشخاص ثالث براساس شخصیت اظهارکننده و شایستگی‌های اخلاقی اوست. تأثیر وضعیت و سلوک اجتماعی ثالث بر ارزش اثباتی اظهارات وی در واقع

۱. علوم شناختی اصطلاحی برای «علوم ذهن‌شناسی (علم‌های شناخت ذهن) است که توسط اولریک نیسر انتخاب شده و به طور ساده به‌صورت «پژوهش علمی دربارهٔ ذهن و مغز» تعریف می‌شود و امروزه علوم شناختی یکی از شاخه‌های علوم تجربی (Experimental science) محسوب می‌شود.

۲. العلم فی الحال.

۳. در همین خصوص ر.ک: مادهٔ ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی ایران.

4. Hearsay  
5. Rule 802

۶. در همین خصوص ر.ک: قانون شهادت و امارات مصوب ۱۳۰۸.

رابطه مستقیمی با افزایش احتمال صدق که حسن ذاتی آن امری واضح و روشن است، دارد. در همین خصوص ماده ۱۷۷ قانون مجازات اسلامی ایران شروط متعددی را تعیین کرده است. همچنین مواد ۶۰۷ و ۶۰۸ قواعد فدرالی ادله اثبات در ایالات متحده آمریکا موانع شخصیتی خاصی را برای عدم اعتبار اظهارات اشخاص ثالث برشمرده و امکان استناد به آنها را جهت جرح شهود به اصحاب دعوا هرچند خود، شاهد را فراخوانده باشند نیز می‌دهد؛<sup>۵</sup> سایر معیارهای منطقی ارزش اثباتی: معیارهای دیگری نیز چون لزوم اتیان سوگند از سوی ثالث به سبب بار روانی ناشی از اعتقادات شخصی و ترتیب اثر ندادن به اظهارات فاقد سوگند یا کاستن از ارزش اثباتی آن<sup>۱</sup> یا احتمال بیشتر کذب اظهارات ثالثی که به طور غیرمستقیم ذی‌نفع در دعواست و ممتنع شدن پذیرش اظهارات وی یا کاهش ارزش اثباتی اظهارات او همچون قانون موسوم به «پیکره مرد مرده»<sup>۲</sup> در برخی ایالات آمریکا مثل نیویورک که طبق آن، تصور می‌شود که گوینده یا نویسنده مرده است و ذی‌نفع در دعوی مربوط به متوفی امکان شهادت ندارد یا اهمیت تناسب و نبود تناقض در میان اظهارات اشخاص ثالث با یکدیگر<sup>۳</sup> یا ارزش اثباتی بیشتر برای اظهاراتی که به طور مستقیم در حضور دادرسی رسیدگی‌کننده اتیان می‌شوند تا اظهارات مکتوب یا ایرادشده در غیر حضور وی و لزوم استماع حضوری<sup>۴</sup> یا لزوم امکان استجواب و بازجویی از ثالث و اظهارات او از سوی اصحاب دعوا<sup>۵</sup> که به عنوان ابزارهای حمایتی شناخته می‌شود و در اختیار اصحاب دعوا قرار داده شده است (کریمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۱۶)، همگی تحت عنوان معیارهای منطقی ارزش‌گذاری اظهارات اشخاص ثالث یاد می‌شوند.

## ۵. مبانی ارزش اثباتی اظهارات اشخاص ثالث در حقوق ایران

با مراجعه به قوانین موضوعه در زمینه ادله اثبات در حقوق ایران درمی‌یابیم که اظهارات اشخاص ثالث از حیث ارزش اثباتی یا باید حائز اوصاف دلیل شرعی شهادت با شرایط خاص و دقیق آن مانند صلاحیت، نصاب و غیره باشد یا در صورت نبود شرایط یادشده باید به نحوی باشد که نوعاً و به طور متعارف با اتصاف به وصف اماره قضایی موجبات وجود علم قاضی را فراهم آورد. نکته حائز اهمیت آن است که در خصوص اظهارات اشخاص ثالثی که واجد شرایط دلیل شرعی شهادت هستند نیز اگرچه نیاز به ایجاد علم قاضی به منظور اعتبار آنها نیست و لکن می‌بایستی علم قاضی دال برخلاف آن نیز موجود نباشد؛ در همین زمینه ماده

۱. ماده ۳۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری ایران.

### 2. Dead Man's Statute

۳. ماده ۱۸۵ قانون مجازات اسلامی ایران: «در صورت وجود تعارض بین دو شهادت شرعی، هیچ‌یک معتبر نیست».

۴. تبصره ۲ ماده ۱۱۹ آیین دادرسی کیفری ایران.

۵. در همین خصوص ر.ک: ماده ۲۲۸ آیین دادرسی مدنی ایران.

۱۶۲ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «ادله‌ای که موضوعیت دارند چنانچه فاقد شرایط قانونی و شرعی باشند در صورتی که به همراه سایر امارات و قرائن موجب علم قاضی شوند می‌تواند به عنوان اماره قضایی مورد استناد قرار گیرند». ماده ۱۸۷ قانون یادشده نیز اعلام می‌دارد: «در شهادت شرعی نباید علم به خلاف مفاد شهادت وجود داشته باشد. هرگاه قرائن و امارات برخلاف مفاد شهادت شرعی باشد، دادگاه، تحقیق و بررسی لازم را انجام می‌دهد و در صورتی که به خلاف واقع بودن شهادت، علم حاصل کند، شهادت معتبر نیست». با این توصیفات به نظر می‌رسد که انواع اظهارات اشخاص ثالث چه آنها که منصوص اند و اجلائی مصداقشان تحت عنوان دلیل شرعی است و چه غیر آنها در موارد منصوص چیزی جز امارات قضایی با درجات متفاوت واقع‌نمایی که می‌بایستی از سوی دادرس ارزیابی شوند، نیستند.<sup>۱</sup>

### ۵.۱. تعریف اماره

«اماره» در لغت به معنای علامت و نشانه‌ای است (لویس، ۲۰۰۰ م: ۴۰) که اغلب با دیدن صحیح آن گمانی به وجود چیز خاصی ایجاد می‌شود (علم‌الهدی، ۱۴۰۵ ق: ۲۶۳). در حقوق اسلام اماره قضایی تحت عنوان دلالة الحال و شهادة الحال و بینة الحال یاد شده و عنوان اماره قضایی از حقوق غرب وارد فرهنگ حقوقی ما شده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۸: ۷۱). در نگاه فقهی اماره، دلیل ظنی معتبری است که به لحاظ حکایت و کاشفیت ظنی آن از واقعیت، معتبر دانسته شده است و عقلای جامعه و خردمندان به مفاد اماره عمل می‌کنند و آن را معتبر می‌دانند. از این حیث می‌گویند اماره نسبت به واقع طریقیست یا کاشفیت دارد (مظفر، ۱۳۹۷: ۵۴-۵۵)؛ بدین معنا که ظن نوعی برآمده از اماره، همچون علم، حجت شمرده شده است (صدر، ۱۳۹۱: ۵۴-۵۳)، البته با این تفاوت که حجیت علم، ذاتی است، لیکن حجیت ظن، جعلی و اعتباری است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ ق: ۶۴۱).

### ۵.۲. علم قاضی

«علم قاضی» که در حقوق ایران و به تبع فقه امامیه به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا در نظر گرفته شده است، لزوماً به معنی قطع و یقین فلسفی قاضی نسبت به موضوع یا حکم دعوا نیست، بلکه مقصود از آن علمی عادی است که از طرق متعارف به دست می‌آید و بیشتر مردم و عرف جامعه احتمال صحیح نبودن آن را نمی‌دهند و به این احتمال در مقاصد خود توجهی ندارند (نراقی، ۱۳۷۵: ۴۳۵). منظور از این علم، امری است که برای قاضی آرامش وجدان به بار می‌آورد و او را از سایر ادله بی‌نیاز می‌سازد (ابن ادریس الحلّی، ۱۴۱۰ ق: ۵۴۲). البته در این باره در

۱. در همین خصوص ر.ک: ماده ۱۳۲۳ قانون مدنی.

بسیاری از نوشته‌ها بین علم یقینی و علم عادی (عرفی) به معنی اطمینان خاطر خلط شده است. چه علم قاضی به معنی یقین و اطلاع شخصی وی از موضوع به دلیل عدم امکان اقناع وجدان متعارف برای مخاطبان، اساساً امکان اثبات حقیقت قضایی را ندارد، زیرا اثبات وقتی رخ می‌دهد که از سوی عموم افراد متعارف مورد پذیرش و قبول باشد. این استدلال در خصوص معنی اثبات البته جنبه‌ای اعتباری دارد و منصرف از ارزش منطقی علم شخصی قاضی است (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۹۳). بنابراین مبنای علم قاضی که در واقع اطمینان متعارف وی به ارزش اثباتی دلایل اثباتی است، چیزی جز امارات قضایی موجود نیست. امری که در حقوق اسلام از هر رهگذری که به دست آید، در صورتی که مفید علم عادی باشد، حجت است (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۸: ۶۹-۷۱). نکته مهم و قابل تأمل آن است که در تمامی ادله اثبات دعوا قاضی باید برای صدور حکم دارای اطمینان خاطر از همبستگی میان ادله و شواهد و قرائن موجود با مدلول ادله ابرازی باشد. به دیگر سخن «علم قاضی»، همان علم عرفی و منطقی ناشی از ادله و رابطه منطقی آنهاست که بیشتر تحت عنوان امارات قضایی مورد بحث قرار گرفته و وجود و تطابق آن با واقع در تمامی ادله ابرازی<sup>۱</sup> و گاهی حداقل عدم وجود علم به مخالفت با واقع جهت نفوذ ادله اثبات لازم و ضروری دانسته شده است. از این رو چنانچه قاضی در این خصوص تردید داشته باشد، مکلف به صدور حکم نیست (موسویان، ۱۳۸۴: ۹۶-۹۵). بنابراین به نظر می‌رسد در خصوص دلیل شرعی شهادت نیز با توجه به شرایط متعدد مدنظر مقنن که باید از سوی قاضی احراز شوند، در واقع فرضی از علم برای دادرسی در نظر گرفته شده است که روی دیگر سکه وجود علم عرفی است. مضافاً اینکه در فقه امامیه بعضاً به لزوم وجود علم در خصوص تمامی ادله تصریح شده است (ابن ادریس الحلّی، ۱۴۱۰ق: ۵۲۳).

### ۶. موانع منطقی و اعتباری پذیرش دلیل اظهارات اشخاص ثالث

همان‌گونه که گفتیم با عنایت به رویکرد نظام آزاد دلایل اثبات و نیز با توجه به اشکال مختلف اظهارات اشخاص ثالث و با دقت در اینکه احتمال درک حواس برای هر ثالثی نسبت به موضوع دعوا یا حکم منطبق بر آن وجود دارد؛ اصل منطقی قابلیت پذیرش اظهارات اشخاص ثالث ادراک می‌شود. از این رو در مواجهه با مبحث ارزش اثباتی اظهارات اشخاص ثالث در مقام ارائه نظریه حقوقی که چیزی جز ارائه نظم اکتشافی میان قواعد حقوقی موجود نیست، با دو مقوله مواجهیم: اول، ارائه موانع پذیرش این اظهارات و دوم، ارائه زمینه‌ای از گونه‌های خاصی از این اظهارات و مقررات مربوط به آنها که در واقع در مقام تسهیل مقوله اثباتی برای دست‌اندرکاران جریان دادرسی است و تحت عنوان اظهارات اشخاص ثالث معین یاد می‌شود.

۱. ماده ۱۶۲ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲.

در همین زمینه موانع پذیرش این اظهارات منطقی‌اند یا اعتباری. موانع منطقی در واقع با توجه به اصل منطقی پذیرش اولیه، ناظر بر وجود ارتباط کشفی میان اظهارات اشخاص ثالث و موضوع دعوا بوده و بنابراین مقوم حمل و اتصاف عنوان دلیل بر اظهارات اشخاص ثالث در خصوص دعوی مورد نزاع‌اند، بنابراین منافاتی با اصل قابلیت پذیرش اولیه ندارند، زیرا اصل قابلیت پذیرش اولیه ناظر بر ماهیت دلیل اظهارات اشخاص ثالث بدون در نظر گرفتن دعوی مربوطه است. از این حیث در نظامات حقوقی به‌نحو صریح یا پیش‌فرض موانع منطقی پذیرش دلایل اثباتی و از جمله اظهارات اشخاص ثالث تحت عنوان مفهوم ارتباط بحث شده است. مفهوم «ارتباط» در واقع ناظر بر احراز قابلیت‌های منطقی اولیه ادله ابرازی اظهارات اشخاص ثالث با دعوی مطروحه است. از سوی دیگر، موانع دیگری برای تأثیر ادله اثبات دعوا و از جمله اظهارات اشخاص ثالث در نظر گرفته شده است که ناظر بر مقاصد اعتباری مقنن و با توجه به مصالح اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی و تحلیل اقتصادی نظام حقوقی هدف بوده و در عین حال نافی ارزش منطقی دلایل ابرازی نیست. به دیگر سخن، هرچند اظهارات اشخاص ثالث منصرف از دعوی خاص از حیث منطقی واجد قابلیت‌های واقع‌نمایی است و هرچند نسبت به دعوی مطروحه مرتبط باشد، با این حال اعتبار و وضع موانع نفوذ و تأثیر آنها از سوی مقنن در واقع امری اعتباری و جعلی است که تحت عناوینی چون معافیت‌ها یا معاذیر پذیرش ادله اثبات بحث می‌شوند. از این‌رو مطالب معنون را می‌توان تحت عنوان مفهومی به نام گزینش پیشاپیش دلیل بر پایه مفاهیم ارتباط<sup>۱</sup> و قابلیت پذیرش<sup>۲</sup> دلیل مطرح کرد. این مفاهیم در واقع مقوم تعریف دلیل ناظر بر دعوی مطروحه‌اند، بنابراین می‌توان گفت که هر دلیلی که فاقد ویژگی ارتباط و قابلیت پذیرش در یک پرونده معین باشد، در آن پرونده دلیل به‌شمار نمی‌آید (تروفو، ۱۳۹۸: ۴۸). در واقع روش تصمیم‌گیری در خصوص اینکه آیا دلیل مرتبط است یا خیر؟ و در صورت ارتباط آیا موجب گمراهی یا اشتباه هیأت منصفه می‌شود یا خیر؟ آیا دلیل شنیده شده است؟ آیا جزء معافیت‌های بین وکیل و موکل یا امثال آن محسوب می‌شود یا خیر؟ و شیوه اتخاذ استدلال قانع‌کننده در خصوص موضوعات یادشده به هر دو طرف دعوا، تمرکز بر ارزش‌هایی است که قواعد قابل اعمال به‌نحو بالقوه برای آنها طراحی شده‌اند (Bergland, 1973:184). بنابراین بحث از ویژگی‌ها یا کیفیات دلیل یا منشأ داده‌ها بر پایه گفت‌وگوهای میان تحلیل‌گران ذیل سه مفهوم عمده بررسی می‌شوند که عبارت‌اند از: ارتباط<sup>۳</sup>، اعتبار<sup>۴</sup> و قدرت یا وزن اثباتی<sup>۵</sup> (Terence et al., 2005: 60).

1. Relevancy
2. Admissibility
3. Relevance
4. Credibility
5. probative [inferential] force or weight



### ۶.۱. مفهوم ارتباط دلیل ناظر بر انواع ادله اثبات

مرتبط بودن دلیل به وجود رابطه منطقی میان دلیل و مدلول که همان موضوع یا حکم دعواست، برمی‌گردد. این مفهوم در برخی نظام‌های حقوقی و به لحاظ درک نظام آزاد دلایل اثبات به صورت مصرح به‌عنوان سرفصل یا اقلأ در موادی خاص از ادله اثبات، در آیین‌های دادرسی مورد بحث قرار می‌گیرد. در سایر نظام‌های حقوقی اگرچه به آن تصریح نشده است، ولیکن توجه به آن جزء اصول مسلم منطقی و در نتیجه حقوقی است. مفهوم «ارتباط» گاهی با توصیف دلیل مرتبط و گاهی با بررسی کارکردها و تأثیر آن بر دعوا و پرونده تعریف شده است. از این رو گفته شده است که دلیل قابل اعتنا در دعوا لزوماً می‌باید مرتبط باشد، بنابراین وصف مرتبط جزء لاینفک تعریف دلیل برشمرده شده است. دلیل مرتبط، عنصری اثباتی است که وقایع مورد نزاع را تأیید، رد یا تضعیف می‌کند. همچنین گفته شده که دلیل مرتبط دلیلی است که نوعی اقناع شایسته ایجاد می‌کند. در حقوق انگلستان وقتی میان دو واقعه مرتبط با یکدیگر آنچنان ارتباطی موجود باشد که براساس جریان عادی امور هریک به نوبه خود یا در ارتباط با دیگری، وجود یا عدم وجود، گذشته، حال و آینده دیگری را اثبات یا احتمالی کند، دلیل، مرتبط است. از این رو دلیل مرتبط باید براساس جریان عادی امور و نه بر مبنای منطق مضیق و محدود شناسایی شود (غمامی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۵-۱۶۴). از سوی دیگر، هدف از ارزیابی دلیل اثبات، احراز ارتباط نهایی بین دلیل اقامه‌شده و درستی یا نادرستی اطلاعات در زمینه وقایع مورد دعواست. در واقع بحث از این است که دلیل ارائه‌شده تا چه اندازه از نتیجه راجع به وضعیت شناخت‌شناسی این اطلاعات پشتیبانی می‌کند (تروفو، ۱۳۹۸: ۲۰۵). بنابراین ملاک‌هایی چون مفید بودن، یا وجود رابطه سببیت میان دلیل و مدلول، ایجاد آگاهی بیشتر از صفر، به‌منظور مرتبط شناخته شدن دلیل در این باره مطرح می‌شوند، زیرا در طرف مقابل دلیل غیرمرتبط صرفاً به اتلاف وقت و بروز ابهام منجر می‌شود (صفایی و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۵۰). در حقوق فرانسه دلایلی با دعوا مرتبط‌اند که با موضوع مورد مناقشه در ارتباط بوده و بر حل آن نیز تأثیرگذار باشند. احراز این امر نیز اصولاً و مستقلاً با قضات دادگاه است که مرتبط یا غیرمرتبط بودن دلیل را تشخیص می‌دهند. البته در این صورت نیز ممکن است کنترل‌هایی از سوی دیوان عالی در جایی که دادگاه از پذیرش دلیلی سر باز می‌زند، رخ دهد، به این نحو که در این صورت به پذیرش آن الزام می‌شود (Oudin, 2015: 23). در قواعد فدرالی در زمینه ادله اثبات ایالات متحده آمریکا نیز از مفهوم «مرتبط بودن» برای ادله اثبات جهت امکان اعمال آنها در دعوا استفاده شده است. این قواعد قدرت اقناع‌کنندگی دلیل را به سه مسئله محوری «تناسب (ارتباط) ادله»، «قابل اعتماد بودن ادله» و «محدودیت‌های قانونی» مربوط می‌داند. قاعده ۱۰۴ قواعد یادشده، به‌صراحت به قاعده تناسب ادله پرداخته و در مقام نسبت‌سنجی و ارتباط

بین امور موضوعی و دلایل مطروحه در هر پرونده است. قاعده ۴۰۱ نیز بیان می‌دارد که ادله اثبات در صورتی «مرتبط» دانسته می‌شود که اولاً، واجد هرگونه استعدادی برای بیشتر یا کمتر باورپذیر کردن موضوع نسبت به قبل از حضور خود در پرونده باشد و ثانیاً، برای باورپذیر کردن موضوع مستعد باشد و ثالثاً، آن موضوع در اتخاذ حکم مهم باشد (اثر منطقی داشته باشد). از این رو قاعده تناسب یا مرتبط بودن ادله عبارت است از وجود حداقل اقناع لازم به وسیله یک استدلال منطقی که حاکی از غیرصفر بودن ارزش اثباتی دلیل ارائه شده باشد. منظور از ارزش اثباتی غیرصفر نیز آن است که چنانچه دلیلی سود اجتماعی تولید نمی‌کند و سبب ارزش افزوده نمی‌شود، لااقل تولید هزینه اجتماعی آن-ارزش منفی دلیل- صفر باشد (الماسی، ۱۳۹۱: ۱۷).

### ۷. موانع اعتباری پذیرش اظهارات اشخاص ثالث

ادله اظهارات اشخاص ثالث که از آنها تحت عنوان ادله شخصیت یا ساکت‌کننده نیز یاد می‌شود، واجد خصوصیتی‌اند که در برخی مواقع و با فرض وجود رابطه منطقی با موضوع دعوا از سوی مقنن بنا به مصالحی به نحو پیشینی کنار گذاشته می‌شوند. مصالح یادشده برای جلوگیری از اعمال این ادله و نفوذ آنها در دعوی مطروحه انواع مختلف غیرمحسوری دارد. این مصالح می‌توانند بنا به مقتضیات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی در هر عصر و مصری متفاوت باشند. البته این مصالح بنا به برخی تعاریف به صورت کلی تحت عنوان تحلیل اقتصادی نیز مورد بحث قرار می‌گیرند (الماسی، ۱۳۹۱: ۱۷). همچنین باید توجه داشت که این مناظرها گاهی به شکل موانع و گاهی به شکل معاذیر ظهور می‌کنند؛ بدین صورت که گاهی به صورت کلی مانع از پذیرش اظهارات اشخاص ثالث در دادرسی می‌شوند و گاهی صرفاً به صورت عذری برای ثالث عمل می‌کنند؛ یعنی اگرچه در صورت اعلام ثالث پذیرفته می‌شوند، و لکن ثالث حق دارد تا از اظهار و اعلام استنکاف کند.

#### ۷.۱. موانع ناظر بر آسیب ادله اظهارات اشخاص ثالث بر سرمایه‌های بنیادین اجتماعی

بنیاد اصلی و اولیه در قابلیت پذیرش ادله اظهارات اشخاص ثالث، فضیلت‌انگاری صدق گفتار و اهمیت آن است. شهادت، به عنوان سنتی‌ترین و باارزش‌ترین مصداق از انواع اظهارات اشخاص ثالث و تضمین آن با سوگند همواره توسط ادیان و آیین‌های اعتقادی به امور ماوراءالطبیعه به عنوان امری مقدس و تکلیفی الهی در نظر گرفته می‌شده که اصولاً هر شخصی

صلاحیت انجام آن را پیدا نمی‌کرده است.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، ارزیابی این ادله به لحاظ احتمال کذب یا اشتباه اظهارکننده هزینه‌های خود را داراست؛ بدین‌صورت که اعطای اختیار اثبات دعوا به‌وسیله این اظهارات و صدور آرای قضایی غلط براساس اظهارات ناصحیح می‌تواند اعتقادات جامعه به فضیلت اخلاقی صدق و همچنین بنیان‌های دینی و آیینی آن را مورد خدشه قرار دهد. از این‌رو گفته شده که دلایل یادشده در شرایط عدم اطمینان که ایجاد ابهام می‌کنند و هزینه‌های مادی و معنوی- مثل تنزیل مقام و منزلت شرع- را در جامعه به‌همراه دارند، باید به صورت محدود استفاده شوند.

### ۷.۲. موانع ناظر بر مصالح اخلاقی

اگرچه برخی چون فایده‌گرایان حقوق را جدا از اخلاق می‌دانند، و لکن در مقابل، این تفکیک به‌سبب عدم امکان فرض جدایی حقوق در اصول زیربنایی خود از اخلاق صحیح دانسته نشده است (الماسی، ۱۳۹۱: ۲۵). ارزش‌های اخلاقی که پیامبران ابراهیمی نیز هدف بعثت خود را اتمام و اکمال این ارزش‌ها دانسته‌اند<sup>۲</sup>، در مقدماتی‌ترین اصول خود و در بحث از رابطه میان اشخاص همواره به لزوم رعایت حقوق دیگران تأکید کرده‌اند. قواعد اخلاقی در واقع به‌عنوان میزان تشخیص نیکی از بدی در وجدان انسان محترم شمرده شده و با اینکه زندگی مادی بشر و افکار پیروان اصالت فرد تا حدی سبب جدایی قواعد حقوق و اخلاق شده است، و لکن هنوز هم اخلاق را باید مهم‌ترین منبع حقوق به‌شمار آورد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۶۰-۵۹).

### ۷.۳. موانع ناظر بر عدم اشاعه و واکاوی انحرافات اخلاقی

گاهی با وجود رابطه منطقی میان دلیل اظهارات اشخاص ثالث و مدلول که همان موضوع دعواست، بنا به مصالح اخلاقی شرایطی خاص جهت پذیرش این اظهارات در نظر گرفته می‌شود. برای مثال برای اثبات جرائم حق‌اللهی<sup>۳</sup> در حقوق ایران همچون جرائم منافی عفت یا شرب خمر که منبعث از مبانی و ریشه‌های فقهی است؛ وفق ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی نیاز به شهادت چهار نفر مرد یا دو مرد و چهار زن به‌نحو اخبار از علم شخصی هست. افزون‌بر اینکه طبق نظرهایی در فقه امامیه در حقوق الله قاضی امکان استناد به علم شخصی خود را که به‌نحو یقینی نیز، به‌وجود آمده است، ندارد (مؤمن، ۱۳۷۸: ۳۶)، زیرا رویکرد اولیه و اصلی در خصوص جرائمی با ویژگی‌های یادشده پوشیدن عمل و عدم اشاعه است. بنابراین فارغ از

۱. یا ایها الذین آمنوا کونوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ... (نساء: ۱۳۵).

۲. پیامبر اسلام: به‌راستی که من مبعوث شدم تا شرافت‌های اخلاقی را کامل و تمام کنم [و به مردم بیاموزم].

۳. ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری.

بحث ارزش یا قوت منطقی دلایل ارائه شده یا اطمینان یا علم ایجادکننده برای قاضی، مقنن طرق توقیفی خاصی را برای اثبات در نظر گرفته است که موضوعیت دارند.

#### ۷.۴. مناظرات ناظر بر ترجیح اخلاقی بنیان‌های خانوادگی در مقابل کشف حقیقت

یکی از مظاهر اصول و ارزش‌های اخلاقی یادشده حفظ و حراست از کیان خانواده است. به دیگر سخن، هیچ‌یک از قواعد حقوقی نمی‌تواند ناقض این سلول واحد اجتماع عمل کند. بنابراین ادله اثبات که خود بخشی از این قواعد هستند، باید میان فضیلت رسیدن به حقیقت قضایی در پرتو کشف حقیقت یا تزلزل بنیان‌های خانوادگی که مقوم روابط میان اعضای خانواده است، به نحوی عمل کنند که با اصول و ارزش‌های اخلاقی تلائم بیشتری داشته باشد. برای مثال شهادت فرزند در برخی متون فقهی علیه پدر قابل پذیرش دانسته نشده است (نجفی، ۱۴۲۱: ۲۵۶)، زیرا شهادت فرزند علیه والدین خلاف تأکیدات قرآن کریم مبنی بر لزوم حفظ حرمت و احترام و اطاعت از ایشان دانسته شده است.<sup>۱</sup> رد گفتار پدر و مادر و تکذیب ایشان روش معروفانه‌ای در برخورد با آن‌ها که مورد تأکید قرار گرفته نیست، بلکه این کار گویا معصیت بوده و مشمول عقوبت والدین است. از این‌رو فرزند در این حالت فاقد صفت عدالت شده و سرانجام به همین دلیل نمی‌تواند شهادت دهد (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷: ۵۱۹) در همین زمینه در آیین دادرسی مدنی فرانسه هیچ‌گاه نمی‌توان اظهارات بازماندگان یک ازدواج را به‌عنوان شاهد در راستای ادعاهای مطروح در دادگاه توسط یکی از زوجین برای طلاق یا تفریق جسمانی استماع کرد.<sup>۲</sup> همچنین وفق قانون یادشده نظریه کاردانی را که افشای آن مغایر زندگی خصوصی یا دیگر منافع قانونی است، نمی‌توان جز در همان رسیدگی به‌کار برد، مگر اینکه دادرسی اجازه دهد یا طرف ذی‌نفع راضی باشد<sup>۳</sup> (محسنی، ۱۳۹۵: ۱۴۶-۱۳۸).

#### ۷.۵. موانع ناظر بر تحلیل‌های اقتصادی

تحلیل اقتصادی حقوق به معنای توجه قواعد حقوقی به‌منظور نیل به دو هدف کلان، اول، کاهش هزینه‌های فردی و اجتماعی سیستم حقوقی و دوم، استخدام بهترین قاعده به‌منظور بهینه‌سازی و انعطاف‌پذیری قواعد حقوقی است. از این‌رو منطق اقتصادی حقوق نسبت به منطق حقوقی رویکردی وسیع‌تر و جامع‌تر دارد (الماسی، ۱۳۹۱: ۱۰). بنابراین در خصوص تحلیل اقتصادی ارزش اثباتی اظهارات اشخاص ثالث در دادرسی فارغ از جنبه‌های منطقی و رابطه

۱. سوره لقمان آیه ۱۵: «وَ صَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مُعْرِفُونَ».

۲. قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، ماده ۲۰۵

۳. پیشین، ماده ۲۴۷

آنها با مدلول خود که عبارت است از احکام و موضوعات دعوا، جنبه‌های دیگری همچون تأثیر این پذیرش بر سرمایه‌گذاری از طریق مخاطرات احتمالی آینده در دعاوی مطروحه، میزان قابلیت‌های نظام قضایی در بررسی کیفی این اظهارات و حتی پیش‌بینی نتایج دعاوی مدلل به این‌گونه اظهارات موضوع تحلیل‌های اقتصادی هستند.

#### ۷.۶. غیرقابل پذیرش کردن دلیل گفتاری در مقابل دلیل نوشتاری

به کتابت درآوردن مطالب، سنتی‌ترین راه جلوگیری از بروز تغییر و تحول در آنهاست. براساس منطقی عقلانی و در نتیجه حقوقی، همواره درج حقوق و تعهدات به‌نحو مکتوب موجب اطمینان خاطر ذی‌نفع می‌شود. در مقابل، دلیل ناشی از اظهارات اشخاص که به لحاظ مقتضیات روحی و روانی انسان می‌تواند دستخوش نسیان یا انکار شود، واجد دشواری‌های اثباتی و در نتیجه درجهٔ اقناع‌کنندگی کمتری نسبت به مکتوبات است. مع‌الوصف بنا به منطقی ناظر بر تحلیل اقتصادی حقوق به معنای اعم خود، گاهی مقنن منصرف از ارزش اثباتی منطقی این اظهارات در دعوا، به‌نحو پیشینی قدرت اثباتی این ادله را نادیده می‌گیرد. در همین خصوص بیشتر نظام‌های حقوقی یکی از شرایط اعتبار حقوقی قراردادهای مهم را نوشته بودن آنها اعلام کرده‌اند. در نظام کامن‌لا برای اثبات یک قرارداد مهم و مکتوب باید با توسل به قاعدهٔ بهترین دلیل<sup>۱</sup> به‌عنوان دلیل درجهٔ اول<sup>۲</sup> به‌دلیل نوشته استناد کرد. از این امر تحت عنوان قاعدهٔ نوشتهٔ اصلی<sup>۳</sup> یاد می‌شود. از طرفی قاعدهٔ دلیل گفتاری در حقوق کامن‌لا<sup>۴</sup> به‌طور سنتی بیان می‌دارد که دلیل مکتوب باید جایگزین دیگر دلایل شود و به‌دنبال تقویت قوهٔ اثباتی سند است که در نتیجه مانع از پذیرش شهادت علاوه‌بر ادلهٔ کتبی مغایر با آن می‌شود (صفایی و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۳۹). این قاعده بیان می‌دارد که دلیل شفاهی همزمان یا پیشین برای اثبات تغییر، تناقض یا الحاق هر چیزی به شروط قرارداد مکتوب، پذیرفتنی نخواهد بود. اصل مشابه در حقوق انگلستان بیان می‌دارد که دلیل بیرونی به‌طور کلی وقتی که هدف آن افزودن، تغییر دادن یا مخالفت کردن با اصطلاحات یا شروط است، باید نوشته باشد (تروفو، ۱۳۹۸: ۶۷-۶۶).

در حقوق فرانسه اصل سنتی «حروف» (متون) از گواهی عبور می‌کنند<sup>۵</sup>، الهام‌بخش گروهی از مقرراتی است که هدفشان منع دلیل شفاهی و به‌ویژه دلیل گواهی در قراردادها در مواردی که به‌طور خاص قانون وجود دارد، است. در چنین مواردی صرفاً دلیل مکتوب قابل پذیرش است. یکی از این قواعد ممنوع‌کننده عدم قبول دلیل شفاهی در خصوص ارزش پولی قرارداد

1. The Best Evidence Rule
2. A Primary evidence
3. The original writing rule
4. The Parole evidence rule
5. The traditional principle "lettres passent témoins"

یا منع از پذیرش دلیل آن دسته دلایل شفاهی است که هدفش اثبات برخی الحاقات به متن قرارداد است. از این رو عمل حقوقی مربوط به مبلغی از پول یا ارزشی بیش از مبلغی که توسط دولت مصوب می‌شود، باید با دلایل کتبی ثابت شود و هیچ مدرکی نمی‌تواند برتر یا خلاف دلیل نوشته که در اقدام قضایی استناد شده است، ارائه شود؛ حتی اگر مجموع مقدار پول یا ارزش مورد ادعا از این مقدار (مصوب) فراتر نرود، مگر توسط شواهد کتبی دیگر که امضا شده یا در یک سند معتبر موجود باشد.<sup>۱</sup>

### ۷.۷. توافق طرفین بر ادله اثباتی خاص

یکی از مواردی که در حقوق خصوصی دلایل اثباتی را محصور به پذیرش موارد خاصی کرده و به ادله اثبات به نحو اعتباری وصف توقیفی بودن می‌بخشد، توافق طرفین بر استناد به ادله خاص است. این توافق البته می‌تواند پیش یا پس از بروز خصومت به وجود آید. در توجیه تنفیذ این توافق در خصوص قراردادها به افزایش قابلیت پیش‌بینی نتایج و وضعیت قراردادی که شاید مهم‌ترین دغدغه سرمایه‌گذاری است و در خصوص دعوی نیز به بنیادهایی که دعوا را شیئی متعلق به طرفین معرفی می‌کند، استناد شده است (محسنی، ۱۳۸۶: ۸۵-۸۴). از این رو مادامی که این توافق خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه و قوانین آمره نباشد، دلیلی مبنی بر عدم پذیرش آن وجود ندارد (دیباچه و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۰). یکی از موارد توافق طرفین بر ادله اثباتی خاص در حقوق کامن‌لا شرط تمامیت قراردادی<sup>۲</sup> است. این شرط نیز پیش‌فرضی مبنی بر کامل و نهایی بودن سند نوشته است که به صراحت بیان می‌دارد سند نوشته نهایی، ابراز اراده کامل طرفین قرارداد است. بنابراین، حتی اگر اصحاب دعوا بعداً هم در خصوص برگزاری مذاکره توافقی کرده باشند که در قرارداد اصلی مکتوب درج نشده باشد و با قرارداد مکتوب معارض باشد (برای مثال در تاریخ تحویل یا میزان قیمت) شروط اضافی یا متفاوت، با وجود شرط تمامیت قراردادی توسط دادگاه تنفیذ نخواهند شد. در همین خصوص در حقوق ایران نیز می‌توان به مقررۀ ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی ایران اشاره کرد که توافق طرفین دعوا بر اینکه رأی یک یا چند کارشناس قاطع دعوا باشد را قابل پذیرش و موجب سقوط حق تجدیدنظرخواهی از رأی دادگاه نخستین دانسته است.

۱. قانون مدنی فرانسه، ماده ۱۳۵۹

### ۸. معاذیر اعتباری اشخاص ثالث جهت عدم ارائه اظهارات

یکی از جلوه‌های اعتباری ارزش اثباتی اظهارات اشخاص ثالث مواردی است که نظام حقوقی بر مبنای مصالحی که از سرچشمه ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی سیراب می‌شوند، برای ثالث معاذیر و معافیت‌هایی را به منظور استتکاف از اظهار یا اعلام در خصوص موضوع یا حکم یک دعوا قائل می‌شود. این امر البته با مفهوم «سلب صلاحیت» برخی اشخاص ثالث جهت ادای اظهارات در دادگاه در نظام شکل‌گرا و مکانیکی که بر مبنای پیش‌فرض وجود حقایقی در خصوص ارزش اثباتی اظهارات اشخاص ثالث وجود داشت، متفاوت است. برای مثال اطلاعات محرمانه میان یک طرف و وکیل، پزشک، روحانی یا همسر به‌طور کلی نمی‌تواند به‌عنوان دلیل ارائه شود، مگر با توافق طرفین. این معاذیر تحت عنوان مفهوم «مستثنا شدن» در واقع به‌عنوان حقی برای کسی که اظهارات علیه اوست، به‌سبب منع از ادای شهادت و امتیاز به‌منظور امتناع از ادای شهادت برای ثالث، واجد مبانی اخلاقی است. از این‌رو گاهی قواعد و مقررات تحت عنوان مفهوم معافیت‌های محرمانگی<sup>۱</sup> در ادله اثبات اشخاص را از ارائه و افشای اطلاعات و داده‌هایی که در اختیار دارند، منع کرده یا حق طرح و بررسی آنها را در جلسه غیرعلنی به‌وجود می‌آورند. بی‌شک این منع می‌تواند مانع از کشف یا رسیدن به حقیقت شود؛ ولی در خصوص منطق و فلسفه آن به مواردی همچون حمایت از حریم خصوصی و لزوم حفظ اسرار حرفه‌ای و گاه اطلاعات حاکمیتی و دولتی اشاره شده است؛ یعنی اگرچه افشای اطلاعات و بعضاً ارائه گواهی به‌عنوان تعهدی اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، و لکن معافیت‌های یادشده به‌عنوان استثنائاتی بر تعهد مذکور عمل می‌کنند. در حقوق آمریکا در ماده ۵۰۲ قواعد فدرال آمریکا<sup>۲</sup> به معافیت وکیل در خصوص اطلاعات موکل و نیز اطلاعات مربوط به محصولات ناشی از کار یا تولید اشاره شده است. امروزه از میان قواعد جدید معافیت، مهم‌ترین آنها مربوط به حسابداران، گزارشگران اخبار و کارگران اجتماعی و بانکدارها، دلال‌ها، تجار، شرکت‌های بیمه و بسیاری از دیگر اشخاصی که فعالیت‌های آنها شایسته محرمانه نگاه‌داشتن است، می‌باشد. به‌نحوی که دادگاه‌ها و قانونگذاران ایالتی بر مقوله حمایت از محرمانگی شغلی و باور به برتری آن بر کشف و جست‌وجوی حقیقت در فرایندهای قضایی معتقدند (تروفو، ۱۳۹۸: ۷۶-۷۳). در حقوق ایران نیز معاذیری برای ثالث به‌منظور امکان عدم افشای اطلاعات و اسناد در نظر گرفته شده است. از جمله وفق ماده ۲۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی چنانچه افشای اطلاعات و اسناد نزد ثالث با مصالح سیاسی کشور یا نظم عمومی منافات داشته باشد، با موافقت دادگاه با استدلال ثالث یا عدم موافقت رئیس قوه قضاییه در خصوص ارائه

1. Privilege  
2. Rule 502

اسناد سری دولتی جواز عدم اظهار و افشای آنها نزد دادگاه صادر می‌شود. این امر در جریان رسیدگی کیفری نیز در ماده ۱۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد تأکید قرار گرفته است، بدین شرح که ارائه اسناد سری و به کلی سری از سوی مقامات و مأموران دولتی و عمومی به دادگاه یا مرجع تحقیق مستلزم موافقت رئیس قوه قضاییه است.

## ۹. نتیجه

از آنچه در این نوشته بررسی شد و از دیدگان گذشت، می‌توان نتیجه گرفت، نخست اینکه دلیل اظهارات اشخاص ثالث با توجه به گوناگونی‌های قابل فرض آن، در قوانین موضوعه به نحو کامل احصا نشده و اساساً قابل برشماری نبوده و لزومی هم بر این کار نیست. مع‌الوصف تحت عنوان نظریه‌ای کلی می‌توان انواع برشمرده شده را «ادله اظهارات اشخاص ثالث معین» و سایرین را «ادله اظهارات اشخاص ثالث نامعین» نامید. در همین زمینه، به باور نگارندگان در حقوق ایران تمامی ادله اظهارات اشخاص ثالث نامعین تحت شمول دلیل «امارات قضایی» قرار می‌گیرند و تحلیل می‌شوند. این امارات در تمامی ادله اثبات و از جمله اظهارات اشخاص ثالث باید در تمامی انواع اظهارات اشخاص ثالث مفید «علم قاضی» مبنی بر صحت این اظهارات باشند. البته این علم نه به معنای علم فلسفی، بلکه به معنی «اطمینان خاطر متعارف» که قابلیت قانع‌کنندگی عرفی را داشته باشد، است. با این حال در حقوق ایران صرفاً در خصوص «دلیل شرعی شهادت» که واجد شرایط صحت قانونی بسیاری است، صرف عدم وجود علم به کذب اظهارات کافی دانسته شده است؛ دوم اینکه اظهارات اشخاص ثالث که می‌تواند در قالب تعریف «هر شخصی به جز طرفین دعوا و دادرس رسیدگی‌کننده» در انواع گوناگونی فرض شود؛ از حیث عقلانی و منطقی به‌طور بالقوه واجد قابلیت اثباتی در خصوص موضوع یا حکم منطبق بر موضوع آن هستند. بنابراین می‌توان اصل اولیه قابلیت پذیرش انواع اظهارات اشخاص ثالث با هر نصاب و جنسیت و هر منشأ اطلاعات و هر نوع شیوه اظهار از حیث اخبار یا اظهارنظر را در نظر گرفت؛ سوم اینکه ارزش اثباتی دلایل اثبات دعوا و از جمله اظهارات اشخاص ثالث در علم حقوق؛ اگرچه در وهله اول و بنا به نگاه سنتی صرفاً بنا به میزان کاشفیت منطقی و عقلانی میان دلیل و مدلول تعریف می‌شده است، لکن با توجه به ماهیت «اعتباری» علم حقوق و دقت در اهداف این علم و نیز تاریخ از جای مانده که رسوب اصلی آن در قوانین موجود است؛ به دو جنبه «منطقی» و «اعتباری» تقسیم می‌شود. از این رو می‌توان به نحو نظریه‌ای کلی، مفهومی را تحت عنوان «ارزش اثباتی منطقی و اعتباری اظهارات اشخاص ثالث» برای مطالعه جایگاه این اظهارات و نقش آنها در «اثبات دعوا» در نظر گرفت. رابطه منطقی این اظهارات با مدلول ایشان که از آن تحت عنوان «کاشفیت» یاد می‌شود، به



جنبه‌های مربوط به علوم شناختی و ادراکی و رابطه اعتباری که از آن به‌نحو مطلق تحت عنوان «حجیت» یاد می‌شود، به جنبه‌های ناظر بر مصالح و منافع اخلاقی اجتماعی و فرهنگی و به‌طور کلی تحلیل اقتصادی و آثار مربوط به پذیرش یا عدم پذیرش این اظهارات در نظام دادرسی هدف توجه دارد؛ **چهارم اینکه** ارزش اثباتی منطقی اصولاً باید از سوی دادرسی رسیدگی‌کننده به دعوا احراز شود، زیرا امکان توجه فکری و آمیختگی روحی او با متن و حواشی دعوا بیش از هر شخص دیگری است. با این حال برخی نظامات حقوقی معیارهایی را به‌نحو پیشینی در این زمینه تعیین کرده‌اند که البته معیارهای یادشده در طول اعصار گذشته و با پیشرفت جریان دادرسی حالت الزام‌آور خود را به‌خصوص در ایجاد موانع اثباتی برخی از انواع اظهارات ثالث از دست داده‌اند و صرفاً جنبه ارشادی و پیشنهادی برای دادرسی و سایر افراد دخیل در جریان دادرسی دارند و در صورت فقدان نیز به‌صورت مفروض از سوی دادرسی در توزین ادله اظهارات اشخاص ثالث در نظر گرفته می‌شوند؛ **پنجم اینکه** نظریه کلی تحلیل‌کننده تمامی انواع «دلیل اظهارات اشخاص ثالث» براساس مقاله حاضر عبارت است از: «ارزش اثباتی منطقی و اعتباری اظهارات اشخاص ثالث معین و نامعین و انطباق اظهارات اشخاص ثالث نامعین یا دلیل «امارات قضایی یا همان علم قاضی». براساس این نوشتار ادله ابرازی و معین‌شده در طول تاریخ حقوق و جریان دادرسی به‌عنوان زمینه و پیشنهادهایی بوده‌اند که براساس نه لزوماً روابط منطقی با مدلول خود، بلکه تلفیقی از جهات منطقی و اعتباری مدنظر مقنن و نظام حقوقی و براساس نقاط قوت نظام دادرسی و میزان قابلیت اعتماد به آن تعیین شده‌اند، بنابراین انحصار امر اثبات به آنها امری مردود است. از این رو دقت در انواع ادله اثبات نشان می‌دهد که سایر ادله غیرمعین همواره تحت شمولیت دلیل «اماره یا علم قضایی» تحلیل می‌شده است، البته لزوم عدم مخالفت دلیل یادشده با سایر ادله نیز همواره شرط پذیرش و صحت دلایل اثبات بوده است که دلیل اظهارات اشخاص ثالث نیز از این امر مستثنا نیست.

### بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

### منابع

#### الف) فارسی و عربی

۱. ابن ادریس الحلی، ابی جعفر (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، ج دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۲. ابن‌فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق). *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*، تدوین مجتبی عراقی، قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۳. الماسی، نجادعلی (۱۳۹۱). «تحلیلی اقتصادی ادله اثبات دعوی مدنی»، *نشریه تحقیقات حقوقی*، دانشگاه شهید بهشتی، ش ۶۰، ص ۴۰-۹. در: [https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article\\_56481.html](https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56481.html) (۱۰ دی ۱۴۰۰).
۴. امامی، سید حسن (۱۳۴۰). *حقوق مدنی*، ج ششم، نرم‌افزار جامع فقه اهل‌البت ۲، قم: اسلامی.
۵. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). *القضاء و الشهادات*، تدوین کمیته تحقیق تراث شیخ اعظم قم: مجمع فکر الاسلامی.
۶. تروفو، میکله (۱۳۹۸). *آیین دادرسی مدنی: ج ۷ (دلیل اثبات)*، ترجمه حسن محسنی، ج اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۸). «علم آزاد در گردش ادله اثبات دعوی (در حقوق اسلام)»، *نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۲۱، ص ۷۹-۶۰. در: [https://jflps.ut.ac.ir/issue\\_2657\\_4020.html](https://jflps.ut.ac.ir/issue_2657_4020.html) (۱۰ آذر ۱۴۰۰).
۸. دیباقر، سهیلا؛ مرتضی شهبازی‌نیا؛ فریدون نهرینی (۱۳۹۹). «قانون حاکم بر ادله اثبات دعوا در حقوق بین‌الملل خصوصی»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دانشگاه تربیت مدرس، ش ۳، ص ۸۸-۶۵. در: <https://clr.modares.ac.ir/article-20-34586-fa.pdf> (۱۰ آذر ۱۴۰۰).
۹. صدر، محمدباقر (۱۳۹۱). *ترجمه دروس فی علم الاصول*، ترجمه نصرت‌الله حکمت، ج سوم، ج ۲، قم: انتشارات دارالعلم.
۱۰. صفایی، سید حسین؛ حبیب‌الله رحیمی (۱۳۸۳). «ارزش اثباتی شهادت در حقوق خصوصی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۱۳، ص ۱۳۳-۱۵۷. در: [https://journals.atu.ac.ir/article\\_2948.html](https://journals.atu.ac.ir/article_2948.html) (۱۰ آذر ۱۴۰۰).
۱۱. علم‌الهدی، علی بن حسین (۱۴۰۵ق). *رسائل الشریف المرتضی (الحدود و الحقائق)*، مقدمه‌نویس: حسینی احمد اشکوری، گردآورنده: مهدی رجایی، ج ۲، قم: دارالقرآن الکریم.
۱۲. غمامی، مجید؛ حسن محسنی (۱۳۹۶). *آیین دادرسی مدنی فراملی*، ج پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۳. کاپلر، مورو؛ جی گارت، برایان (۱۳۹۸). *ترجمه آیین دادرسی مدنی: ج نخست (مقدمه- سیاست‌ها، گرایش‌ها و اندیشه‌ها در آیین دادرسی مدنی)*، ترجمه حسن محسنی، ج اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، ج چهل‌ویکم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۵. کاظمی، محمود (۱۳۹۸). «قانون مدنی یا فقه فارسی: جستاری در منابع و ساختار قانون مدنی ایران»، *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه، ش ۲۹، ص ۲۴۹-۲۷۶. در: [https://jplr.atu.ac.ir/article\\_10862.html](https://jplr.atu.ac.ir/article_10862.html) (۱۰ آذر ۱۴۰۰).
۱۶. کریمی، عباس؛ رضا شکوهی‌زاده (۱۳۸۸). «قاعده عدم پذیرش شهادت بر مسموعات و استثنائات آن در نظام کامن لا با نگاهی تطبیقی به حقوق ایران»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، ش ۱، ص ۲۱۵-۲۳۳. در: [https://jllq.ut.ac.ir/article\\_28275.html](https://jllq.ut.ac.ir/article_28275.html) (۱۰ آذر ۱۴۰۰).
۱۷. لوئیس، معلوف (۲۰۰۰م). *المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة*، بیروت: دارالمشرق.
۱۸. محسنی، حسن (۱۳۹۳). *اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه همکاری و در چارچوب اصول دادرسی*، ج سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۹. ----- (۱۳۹۵). *آیین دادرسی مدنی فرانسه*، ج چهارم، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۰. ----- (۱۳۸۶). «نظام‌های دادرسی»، *فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۱، ص ۸۱-۱۱۵. در: [https://jllq.ut.ac.ir/article\\_18687.html](https://jllq.ut.ac.ir/article_18687.html) (۱۰ آذر ۱۴۰۰).
۲۱. مظفر، محمدرضا (۱۳۹۷). *اصول فقه*، ترجمه محسن غرویان و علی شیروانی ج چهارم، ج ۲، قم: دارالفکر.
۲۲. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۰). «بینه در لسان شرح»، *مجله حقوقی دادگستری*، قوه قضاییه، ش ۴، ص ۶۴-۵۷. در: [http://www.jlj.ir/article\\_239809.html](http://www.jlj.ir/article_239809.html) (۱۰ آذر ۱۴۰۰).

۲۳. موسویان، سید ابوالفضل (۱۳۸۴). «قلمرو حجیت علم قاضی در فقه»، نشریه مقالات و بررسی‌ها، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، ش ۸۷، ص ۹۳-۱۱۵. در: [https://journals.ut.ac.ir/article\\_12759.html](https://journals.ut.ac.ir/article_12759.html) (۱۰ آذر ۱۴۰۰).
۲۴. مولودی، محمد؛ مهدی حمزه هویدا (۱۳۹۱). «نظریه‌های حقیقت و کاربرد آنها»، مجله حقوقی دادگستری، قوه قضائیه، ش ۷۹، ص ۷۳-۹۸. در: [http://www.ilj.ir/article\\_11047.html](http://www.ilj.ir/article_11047.html) (۱۰ آذر ۱۴۰۰).
۲۵. مؤمن، محمد (۱۳۷۸). «اعتبار علم قاضی در دعاوی»، نشریه پژوهش‌های فلسفی کلامی، دانشگاه قم، ش ۲، ص ۳۵-۶۷. در: [http://pfk.qom.ac.ir/article\\_465.html](http://pfk.qom.ac.ir/article_465.html) (۱۰ آذر ۱۴۰۰).
۲۶. نجفی، محمدحسن (۱۴۲۱ق). *جوهر الکلام فی ثوبه الجدید، نرم‌افزار جامع فقه ۳*، تدوین مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی ج ۲۰، قم: مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
۲۷. نراقی، احمدبن محمد مهدی (۱۳۷۵). *عوائد الایام، گردآوری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم*.
۲۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۵). «علم قاضی»، نشریه فقه اهل بیت (ع)، ش ۸، ص ۱-۱۰. در: <http://ensani.ir/fa/article/74869/> (علم-قاضی-۱) (۱۰ آذر ۱۴۰۰).
۲۹. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*، ج ۱، قم: مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).

## (ب) خارجی

30. Bergland, David P (1973). "VALUE ANALYSIS IN THE LAW OF EVIDENCE", *Law Review (Western State)*, No 1.
31. Herzog, Petere (1994). "The Probative Value of Testimony in Private Law", 20<sup>th</sup> ed.
32. Oudin, Martin (2015). "Evidence in Civil Law", France. Institute for Local Self Government and Public Procurement Maribor, [www.lexlocalis.press/index.php/LexLocalisPress/catalog/book/2](http://www.lexlocalis.press/index.php/LexLocalisPress/catalog/book/2).
33. Terence, Anderson, David Schum, and Twining William (2005). "Analysis of Evidence". 2nd ed. New York: Cambridge University Press.



Research Paper

## Declaration of Third Parties in Proceedings and its Exceptions

**Hassan Mohseni\***

*Associate Professor of Private Law, Faculty of Law & Political Sciences,  
University of Tehran*

**Ahmad Najafi**

*PhD Student in Private Law, University of Tehran, Alborz Campus*

### Abstract

A human element outside the litigants who has information on the subject matter of the dispute is called a third party. In general, the statements by any person other than the plaintiffs or the judge hearing the case are called the "statements of third parties." Logically, this evidence in terms of nature and method can be the third party's information or comment on the fact or on the law, which is presented orally or in writing, whether on paper or digitally, in person at the court or outside the court. Manifestations of these statements are enumerated according to the historical and cultural roots in the positive law, which are referred to in this article as the statements of certain third parties. However, many of the examples that can be assumed are not covered in this article, and they are referred to here as indefinite third party statements. The relationship between these statements and the subject and the sentence can be examined and evaluated from two aspects. First, the logical relationship is the one that has traditionally been examined in the evidence of litigation. The purpose of this relationship actually refers to the manifestation and logical and rational reality of the evidence for the statements of third parties. Evidence is the product of the study of experimental sciences, including cognitive sciences, psychology, and so on. Second, the relationship between evidence and meaning, which is the new division proposed in this article. The purpose of this relationship, regardless of the logical aspects, is to look at the moral, cultural, social, and economic considerations for the legislature and the legal system. In this way, according to the mentioned purposes, the legislator sometimes does not consider the logical relation between these statements and meanings and prevents the exercise of the probative power of the evidence.

---

\* Corresponding Author  
Received: 11 December 2021, Accepted: 7 March 2022

Email: hmohseny@ut.ac.ir  
© University of Tehran

This article is methodologically fundamental because it seeks to provide a legal theory that can be offered on the probative value of third party statements as an important part of the evidence, taking into account the rationale and contractual links between these statements and the fact or law. Of course, the result of the present study can have a practical aspect. However, due to its direct relationship with theoretical issues and the fact that it is initially used in theoretical and scientific references and may even lead to the amendment of laws, its relationship to the practical law is typically indirect. Hence, it is considered non-practical and theoretical in conventional classification.

Also, the present article is an introduction to different types of third party statements and the current situation of their positive valuation in the Iranian legal system and a case study with the two main categories of legal systems, namely positive law and common law. How to deal with the legal systems under study with this type of evidence and provide as much analysis as possible of the causes and aspects of this type of view and its principles are also the purpose of this article. Therefore, in terms of data collection, the research method is to refer to sources to compile a so-called library study.

The article first deals with the lack of uniform and logical aspects in the analysis of the probative value of various third-party statements, and secondly examines the irrelevant issue for the formal aspects of the probative value of third-party statements and its mechanical view, and thirdly examines the difference between reason and meaning in the Iranian legal system. It is obvious that any reform in legal approaches and judicial procedures in the Iranian legal system, which stems from its cultural and social roots, including *Imami* law, is not possible without considering its principles and finding relevant literature and correct justification of its statements. The present article is written with the approach of analyzing justified solutions in order to theorize the free system of evidence and critique the mechanical view of the probative value of evidence and accuracy in the nature of the principles of probative value and presenting a new classification of probative value and the statements of third parties should be examined on the basis of the principles of *Imami* law and the existing legal system in Iranian Procedural law.

The questions examined in this article are as follows: 1- What rules can govern these statements in terms of probative value? 2- Are there any common rules that can be referred to as general rules? 3- Can the relationship between the reason for the statements of third parties and their meaning be examined from a contractual point of view? 4. How many types of statements of third parties are there in procedural law? 5- Is the evidence for the statements exclusively enumerated? 6. What is the relationship between the probative value of third party statements and the presumption and the knowledge of judge? 7- What do the traditional conditions related to

the logical acceptance of third party statements have to do with the probative value of these statements?

The hypotheses of this article are:

1 -The types of statements of third parties are not exclusive. 2- The probative value of third party statements can be examined from both logical and contractual aspects. 3- The basic principle is to accept the logical probative value of all types of third party statements. 4- The probative value of all kinds of third party statements in Iranian law can be analyzed absolutely in the form of a judicial presumption. 5. The division of the probative value of the evidence and statements of third parties into logical and contractual makes it possible to make policies for the evidence and thus limit or prohibit the probative value of the statements of third parties regardless of their logical relationship with the meaning in terms of contractual aspect.

In this article we achieved these goals:

Providing the classification of probative value into rational and contractual, announcing the basic principle of rational acceptance of the probative value of third party statements, the ability to analyze all types of third party statements under the presumption and judge's knowledge.

Discussion of presumption as the basis and nature of probative value of different types of evidence by considering the relationship between judge's knowledge in probative value of evidences and rejecting the definition of judge's knowledge to personal science and criticizing the mechanical view on the probative value of third party statements has been our goal in this article. The definition of evidence and the presentation of the division of positive value into logical and contractual evidence are new approaches in the present article.

**Keywords:** Definite and Indefinite Third Party Statements, Rational and Credit Positive Value, Statistics and Jurisprudence.

#### **Declaration of conflicting interests**

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

#### **Funding**

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

**ORCID iDs:** 0000-0001-5930-9035



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.